

شهرنامه‌های استان بوشهر / ۹

کنگان

تاریخ، سرزمین، فرهنگ

تألیف:

زکریا رستگار

انتشارات آبتین نگار

۱۳۹۲

سرشناسه : رستگار، زکریا، ۱۳۴۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : کنگان : تاریخ، سرزمین، فرهنگ / تألیف زکریا رستگار؛ به سفارش استانداری بوشهر؛
 زیر نظر اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر.
 مشخصات نشر : بروجن: آبتین نگار، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۳۹۸ ص. : مصور، جدول.
 فروست : شهرنامه های استان بوشهر: [ج. ۹].
 شابک : 978-600-6967-11-0 دوره: 8-978-600-6967-02-8 : ۱۵۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتاب نامه ص ۳۹۷ ۳۵۴.
 یادداشت : ----
 موضوع : شهرها و شهرستان ها -- ایران -- بوشهر
 موضوع : کنگان
 شناسه افزوده : استانداری بوشهر
 شناسه افزوده : سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر
 شناسه افزوده : شهرنامه های استان بوشهر: ۹.
 رده بندی گنجره : ۱۳۹۲ ج. ۹، ۵۳۰۳/۵ DSR۲۰۰۳
 رده بندی دیویی : ۵۵/۶۴
 شماره کتاب شناسی ملی : ۲۸۷۶۹۰



انتشارات اشیان



انتشارات آبتین نگار

بروجن: الهیه. مؤسسه انتشارات آبتین نگار. abtin.negar@yahoo.com
 تهران. میدان انقلاب. خ منیری جاوید. کوچه مرکزی. پ. انتشارات اشیان

کنگان (تاریخ، سرزمین، فرهنگ)

زکریا رستگار

طرح جلد و صفحه آرایی: علیرضا علی نژاد
 ناشر: آبتین نگار، با همکاری: اشیان
 لیتوگرافی: فیلم گرافیک
 چاپ: متین
 صحافی: ولیعصر
 چاپ اول: ۱۳۹۲
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

این کتاب به سفارش و سرمایه استانداری بوشهر و زیر نظر اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر تألیف و انتشار یافته است.

قیمت ۱۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۷
بخش اول: تاریخ.....	۲۱
فصل اول: رجه سمیه.....	۲۳
فصل دوم: درگذر زمان.....	۳۶
فصل سوم: آثار باستانی و تاریخی.....	۹۲
بخش دوم: سرزمین.....	۱۶۳
فصل اول: جغرافیای طبیعی.....	۱۶۵
فصل دوم: جغرافیای انسانی.....	۱۸۱
فصل سوم: جغرافیای اقتصادی.....	۲۱۰
فصل چهارم: جغرافیای سیاسی.....	۲۲۰
فصل پنجم: روستاهای تابعه.....	۲۳۱
بخش سوم: فرهنگ.....	۲۶۳
فصل اول: فرهنگ عمومی.....	۲۶۵
فصل دوم: فرهنگ و آموزش.....	۲۸۷
فصل سوم: فرهنگ عامه.....	۲۹۹
فصل چهارم: ناموران فرهنگ و هنر.....	۳۱۳
سرچشمه ها.....	۳۵۴

پیش‌گفتار

شهرنامه نویسی

تاریخ‌های محلی یا شهرنامه‌ها، حافظه تاریخی شهرها محسوب می‌گردند. آگاهی‌های موجود در شهرنامه‌ها، اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی هستند.

به همین جهت، در مقایسه با تاریخ‌های عمومی، به طور عمده حاوی اطلاعات دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص هستند.

به همین جهت است که می‌توان خیمه تاریخ عمومی یک کشور را بر فراز تاریخ‌های عمومی آن برافراشت. به عبارت دیگر، تاریخ عمومی یک کشور در حکم جدول مقاطعی است که خانه‌های آن را شهرنامه‌ها می‌سازند.

شهرنامه‌ها، امتیازات ویژه‌ای دارند، چرا که حاوی جزئیات بوده و پر از مواد کمیاب و نادرند و مملو از اطلاعات ذی‌قیمتی درباره سلسله‌های محلی و زندگی‌نامه‌های بزرگان و احوال اجتماعی هستند.

در یک نگاه، تاریخ نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک مکان جغرافیایی (شهر، ایالت، ناحیه) می‌پردازد.

دکتر یعقوب آژند (ی. میاندوآبی) در این باره می‌گوید:

«از نحله‌های دیگر تاریخ‌نگاری در ایران، تاریخ نگاری محلی بود که به خصوص در پیش از دوره صفویان و نیز در دوره قاجار از اعتنای ویژه مورخان برخوردار شد.

این نوع تاریخ‌نگاری، از حس شهر وطنی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را در دل تاریخ به تصویر می‌کشید. مشوق اصلی پدیداری تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان آنها بوده است.

گردآوری اطلاعات در باب شهرها و ایالات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز، به خصوص در کیفیت وضع مالیات‌ها و طرز وصول آنها، اهمیتی درخور داشته است.

در تاریخ‌نگاری محلی ایران هم نوعی تداوم نهفته بوده و ذیل نویسی از ویژگیهای آن برشمرده می‌شده است.

نویسندگان در ادوار مختلف، سوانح احوال حکمرانان و سلسله‌های محلی را به اقتضای زمان بدان می‌افزودند.

از آن جا که تفاخر محلی و بومی عامل مهمی در ظهور و رشد این نوع تاریخ‌نگاری بوده، از این رو در آن و خود افسانه‌ها و روایت‌های گزافه از برای بزرگنمایی یک شهر و یا منطقه اندک نیست.

تاریخ‌نگاری محلی نوعی شهرشناسی در دل تاریخ است که اطلاعات جامع و همه جانبه در باره کیفیت و چگونگی به وجود آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام‌آوران علم و ادب و هنر آنها، بناها و عمارات و مزارات و خصوصیات جغرافیایی و حتی اقتصادی و اجتماعی دارد.

در بعضی از تواریخ محلی اطلاعاتی آمده که در تواریخ دیگر نمی‌توان سراغ گرفت.^۱

بدون شک، وجه اصلی و مشخصه شهرنامه‌ها، پیوند آن با یک عرصه جغرافیایی محدود و مشخص است. عناصر سیاسی، فرهنگی،

اجتماعی و یا اقتصادی در تعیین و تشخیص آن دارای تقدم نیستند و همگی مؤخر بر عامل جغرافیایی واقع می‌شوند.

تاریخ محلی به عنوان جزئی از تاریخ ملی، اساساً به مانند امر جزئی، معنا، مفهوم و موفقیت خود را از امر کلی می‌گیرد.

شهرنامه‌ها یا تاریخ‌های محلی عموماً منفردند و به طور خاص به یک محل یا یک خاندان محلی می‌پردازند؛ مانند:

۱. تاریخ نیشابور، نوشته حاکم نیشابوری

۲. تاریخ بیهق، نوشته ابوالحسن بیهقی ابن فندق

۳. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، نوشته معین‌الدین

اسفزاری

۴. فضایل بلخ، نوشته صفی‌الدین ابوبکر عبدالله

۵. بدیع الزمان فی وقایع کرمان، فضل کرمانی

۶. تاریخ یزد جعفری، نوشته جعفر بن محمد جعفری

۷. آثار المعجم، نوشته فرصت‌الدوله شیرازی

۸. فارس نامه ناصری، میرزا حسن فسنایی

۹. تاریخ کرمان، نوشته احمدعلی خان وریری

۱۰. نصف جهان فی تاریخ اصفهان، نوشته محمد مهدی بن

محمد رضا

۱۱. مرآة الفاسان، نوشته عبدالرحیم کاشانی

۱۲. تاریخ قم، نوشته صاحب بن عباد

۱۳. تاریخ طبرستان، نوشته ابن اسفندیار

۱۴. تذکره شوستریه، نوشته باقر حسینی شوشتری

۱۵. تاریخ گیلان، نوشته عبدالفتاح مؤمنی

شهرنامه‌ها، معمولاً به تاریخ و جغرافیای محلی، انساب، علم حدیث،

مزارات و امور وقفی، دیوانی و ایل‌شناسی نیز می‌پردازد.

برخی معتقدند که یکی از راههای مهم بیان توانایی‌ها و آگاهی‌های گروهی، پرداختن به شهرنامه نویسی و تاریخ نگاری محلی می‌باشد، که همیشه و در همه ادوار تاریخی مورد نظر مورخان بوده است.

همه مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، ارتباط قوی و مستحکمی را که میان انسان و زادگاهش موجود می‌باشد، درک کرده و درصدد بیان آن به شیوه‌های گوناگون می‌باشند.

عموماً شهرنامه یا تاریخ محلی را فردی می‌نگارد که در آن محل متولد شده یا در آن جا زندگی کرده باشد. اولین عامل اصلی تمایل به تاریخ محلی نویسی، وطن‌درستی و احساسات ناسیونالیستی است.

ذکر فضیلت شهر یا منطقه در تاریخ‌های محلی، به دلیل شناساندن موقعیت منطقه‌ای، سیاسی، فرهنگی و تاریخی آمده و در عمل نمادی از احساس نیاز به ارزشمندی زاد و بوم و بزرگداشت آن شهر از سوی نویسنده بوده است.

توجه به ریشه تاریخی شهرها، از دیگر شاخص‌های تاریخ نگاری محلی است. در این خصوص، نوعی تمایل به سمت ایران باستان و یافتن هویت تاریخی برای منطقه مورد بررسی در نوشته‌های این کتاب‌ها دیده شده و در اصل نشان دهنده تلاش نویسندگان برای نشان دادن قدمت تاریخی بنای شهرها است.

علاوه بر این، داستان‌های بسیاری از شاهان اسطوره‌ای ایران، نظیر «کیانیان» و «پیشدادیان» در تاریخ‌های محلی دیده می‌شود، که معمولاً ریشه در خدای نامه‌ها و شاهنامه‌ها داشته‌اند.

این تلاش‌ها بیشتر در قالب هویت بومی جای گرفته است، تا هویت ملی؛ زیرا اولاً مورخ تاریخ محلی فقط درصدد است منطقه خود را بشناساند، ثانیاً تاریخ باستانی منطقه را با دوره اسلامی پیوند زده است.

شهرنامه‌ها، توجه ویژه‌ای به زندگی و اجتماع همه طبقات اجتماعی به

خصوص طبقات و گروههای پایین جامعه و مردم عادی دارند، کاری که از گونه‌های دیگر تاریخ نگاری کمتر برمی آید.

عده‌ای نیز بر این باورند که تاریخ‌های محلی، واکنشی علیه تمرکزگرایی سلسله‌های بزرگ بوده است و انگیزه اصلی مورخانی که به تاریخ‌های محلی می‌پرداختند، کسب افتخار برای منطقه خود و اعتقاد به این بود که رویدادهای سرزمین‌شان، شایسته ضبط در تاریخ است.

تاریخ‌های محلی، بیش از تاریخ‌های عمومی به بررسی شخصیت‌ها و تشکیلات اداری و اجتماعی می‌پردازد. تقریباً همه تواریخ محلی با توصیف جغرافیای منطقه و تأثیر آن بر تاریخ منطقه ادامه می‌یابد. در بیشتر این آثار، به رویدادهای مهمی که به بنیان شهر یا شهرهای منطقه انجامیده، پرداخته شده است.

مورخان محلی به سبب آشنایی با سنت محلی، با کسانی که درباره آنان می‌نویسند، احساس نزدیکی دارند و نگرش آنان به واقعیات اجتماعی با رویکرد طبقه حاکم تفاوت دارد.

تاریخ‌های محلی، در حیطه مطالعات میان رشته‌ای قرار داشته و از یافته‌های جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، زمین‌شناسی، جغرافیا، ادبیات، آمار، تراجم و مانند آن بهره می‌گیرند.

مهم‌ترین منابع شهرنامه‌ها و تاریخ‌های محلی در شهرها، در مرحله نخست مردم هستند و در مرحله بعد، محیط فیزیکی و ساختار طبیعی و مصنوعی ساخت انسان و در مرحله آخر مؤسسات و نهادهای انسانی که در یک شهر رشد می‌کنند.

تحقیق درباره استان بوشهر، کار آسانی است. مانند همه کارهایی که یک واحد جغرافیای بزرگ را شامل می‌گردد، با موانع و مشکلات بسیار

اندک و محدودی روبرو شدم، که در کوتاه‌ترین زمان ممکن رفع می‌شد و به یاری تلاش و تجربه، راه خویش را به سوی موفقیت هدفمند و زمان‌بندی شده و نظام‌مند و اصولی به پیش می‌بردم.

دانش ما، حاصل یافته‌های پیشینیان ماست. همان‌ها که جان گذاشتند و در جستجوی حقیقت، ریگ به ریگ، کوه به کوه، رود به رود، گذشته و حال و آینده را درنوردیدند.

با افتخار می‌گویم:

این نبشته‌ها، حاصل کشت زارغانی است که نشان پژوهش و تحقیق و نوشتن بر سینه دارند. و چرا به خود نبالم که در سرزمین جنوب، صدها کتاب و رساله و پایان‌نامه و مقاله نوشته شده، که عصای دست من در این طرح پژوهشی است.

استناد به دسترنج پیشینیان، با ذکر مأخذ و منبع، سپاس از زحمات آنهاست. دانش ما یک شبه به وجود نیامده، خشت خشت و قطره قطره و ذره ذره، تا امروز رسیده و من و امثال من به فردا و فرداها تحویل می‌دهم. بنای من در این پژوهش، بر چند قاعده استوار می‌باشد:

۱. انتشار حداکثری داده‌های اطلاعاتی مورد نیاز: آمار و اطلاعات منتشره توسط دستگاه‌های دولتی، به صورت مکتوب یا رسانه‌ای، توهم محرمانه‌سازی را بی‌اثر نموده و اهتمام بر اصل اطلاع‌رسانی عمومی به شیوه «معقول» و «مناسب» در سرلوحه تحقیقات من قرار داشته است. محرم ندانستن مردم عزیز و قدرشناس، به بهانه‌های واهی برگرفته از اذهان مسموم و رشد نیافته و تخیل بافی تأثیر منفی «آگاهی» مردم از وضعیت موجود، حتی یک لحظه هم به مخیله پژوهشگر طرح، خطور نکرده است.

۲. نگاه شهرستانی: این کتابچه‌ها، بر اساس نگاه شهرستانی تنظیم شده است، نه مبنا قرار دادن مرکز هر شهرستان.

در برخی از شهرستان‌ها، مرکز شهرستان از سابقه و موقعیت تاریخی و جغرافیایی خاصی برخوردار نبوده و نپرداختن به شایستگی‌های توابع آن شهرستان، ظلم به تاریخ و فرهنگ آن منطقه محسوب می‌گردد.

تقسیم متن و محتوای کتاب‌ها به گونه‌ای بوده که محور نوشتار بر هویت «شهرستانی» باشد، یعنی اگر گفته می‌شود شهرستان ۷۰۰۰ ساله فلان، هیچ‌گاه منظور من قدمت ۷۰۰۰ ساله مرکز آن شهرستان نیست.

۳. زاویه دید عام مخاطب این آثار «عموم» مردم هستند، با پرهیز از «ساده نویسی» هستند و واقعی بودن نوشته، یکی از بدیهی‌ترین اصول رعایت شده در این پژوهش است.

سعی و اهتمام من بر این بوده که به تبلیغ و ترویج افسانه‌ها و «خرافات» نپردازم، در عین حال که به ارزش‌های «حسنة» سنتی مردم نیز احترام بگذارم.

۴. اجتناب از تلخ‌نویسی: هدف غایی این پژوهش، تدوین شناخت‌نامه شهرستان‌های استان بوشهر است و نه «مصیبت‌نامه» یا «رنج‌نامه» نویسی.

روستاها «محروم» اند و شهرها «توسعه نیافته». بسیاری از مردم، از فقر و بیکاری و بیماری و اعتیاد و تبعیض رنج می‌برند. دردهایی که روزی با پشتکار همین مردم «درمان» خواهد شد.

این طرح، هرگز به سمت «عیب‌یابی» وضعیت موجود، ارائه راه‌حل و درمان نواقص و بیان نیازهای هر بخش از جامعه، قدم برنداشته است. این کتاب‌ها، شناخت‌نامه یا به عبارت دقیق‌تر شناسنامه فرهنگی هر شهرستان است، که به مردم ایران و جهان معرفی می‌گردد.

در هیچ موردی، نه راه «غلو» را پیموده‌ام و نه به بیراهه «تعلق» افتاده‌ام. به مدح و ثنای هیچ مدیری اهتمام نداشته‌ام و کوچه دلدادگی من به مردم «گل» اندیش استان «بوشهر»، از ثبت قله‌های بلند و سترگ داشته‌ها و

شایستگی‌های آنان است و بس.

۵. اجمال نویسی: زبان نگارش «پژوهشی» و «بدون تکلف» است، بر مبنای «اجمال و جامع» نویسی.

در این ۱۰ جلد، بر بخشی از تاریخ و فرهنگ این استان، که «تاریک» و در «غبار» مانده است، نور افکنده شده است. و صد البته، خانه چراغانی شده، تنها به مدد فکر و همت فرزندانش هویت و معنا یافته است.

وجود منابع مکتوب قابل قبول، آمارها و اطلاعات دقیق و دسته‌بندی شده، اسناد تاریخی متقن در کتابخانه‌های مهم کشور و نویسندگان و مؤلفان و اشخاص مطلع و اهل قلمی کارآزموده و دلسوز، مهم‌ترین امتیاز این استان، برای پژوهش‌های علمی و آکادمیک محسوب می‌گردد.

مبنای تاریخ‌گذاری در این طرح، هجری خورشیدی است و با استفاده از منابع مستند گاه‌شماری، تاریخ‌های میلادی و قمری، تا حد امکان، به تاریخ شمسی (خورشیدی) تبدیل شده‌اند.

در مواردی که امکان معادل‌یابی وجود نداشت، از حروف مخففه «م.» برای تاریخ‌های میلادی و «ق.» برای تاریخ‌های هجری قمری (تازی) استفاده شده است.

شنبه، ۲۵ شهریور ماه ۱۳۹۲

تهران. زکریا دستگار